

کاربرد نظریه شبکه معنایی در مطالعات قرآنی

(میدان معنانشناسی امر، اراده، مشیت)

مهدی مطیع*

فاطمه سادات نیکزاد حسینی**

الهام آقادوستی***

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۲/۱۲

تاریخ تأیید: ۱۳۹۷/۰۵/۰۱

چکیده

واژه‌ها همواره در بافت‌های کاربردی خود، با یکدیگر ترکیب شده و عبارتهای مختلفی می‌سازند؛ این ترکیب و ارتباط، در هیچ زبانی، تصادفی و بدون قاعده نیست و روابط معناداری میان واحدهای هر زبان حاکم است. در قرآن کریم نیز، کاربرد هر واژه در آیات، حکیمانه و هدفمند است و با کنکاش و بررسی ارتباط واژه‌ها با یکدیگر، می‌توان مفهوم هر واژه را در ارتباط با دیگر واژگان و در یک نظام معنایی تعیین نمود. تحقیق حاضر، در نظر دارد تا با کاربردی نظریه شبکه معنایی در مطالعات قرآنی - با نگاهی به حوزه معنایی قوانین الهی در قرآن - گامی مهم در جهت شناخت مفاهیم قرآنی و درک روابط معنایی میان واژگان این کتاب حکیم بردارد. بدین منظور نگرشی ساخت‌گرایانه به متن قرآن داشته و از تلفیقی از مکتب بن آلمان‌ها و روابط بینامتنی استفاده نموده است. در این راستا پس از انتخاب موضوع و واژگان کلیدی آن، ابتدا تمامی آیات مربوط به هر یک از واژگان کلیدی، جمع‌آوری می‌شود. پس‌از آن، «مؤلفه‌های معنایی» واژگان کلیدی ارزیابی می‌گردند. در مرحله بعد، «میدان معنانشناسی» هر واژه تعیین شده و کلمات مرتبط با مفهوم کانونی میدان از طریق نمودارها و جداول دادگانی که در آنها تقابل و ارتباط میان واژگان نشان داده می‌شود، مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. در نهایت، با مقایسه ارتباطات میدان‌های معنانشناسی، «شبکه معنایی» ترسیم می‌شود. با این کار، هر واژه با تمام ابعاد معنایی خود ظاهر شده و ارتباطات متعدد واژگان در یک مجموعه کلی مورد بررسی قرار می‌گیرد و بدین ترتیب، معنای هر واژه در بافت کاربردی خود، معین می‌شود.

کلیدواژه‌ها: قرآن، معنانشناسی، سنن الهی، قانون‌مندی، اراده، مشیت، امر.

* دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه اصفهان. Mahdimotia@gmail.com

** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم حدیث، دانشگاه قرآن و حدیث. Fsnh.110@gmail.com

*** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی، دانشگاه اصفهان (نویسنده مسؤل). E.doosty@yahoo.com

مقدمه

(ایزوتسو، ۱۳۶۳: ۱۳ - ۱۴).

هرچند در کتب لغت و کتاب‌های تفسیری، تحقیقات فقه اللغوی بسیاری پیرامون واژگان قرآنی انجام گرفته و سیر واژگانی بسیاری از آنها بررسی شده است؛ لیکن ارتباط میان واژگان و اصطلاحات مربوط به یک موضوع در یک مجموعه وسیع، به میزان کمتری مورد توجه قرار گرفته است.

راهی که معناشناسی جدید برای دستیابی به این هدف ارائه می‌دهد استخراج شبکه معنایی واژگان و اصطلاحات مربوط به یک حوزه معنایی است. براین اساس، با بررسی ارتباطات واژه‌هایی که در یک حوزه معنایی قرار می‌گیرند، مفهوم نهایی هر واژه و حدود معنایی آن مشخص شده و بدین ترتیب، با ایجاد یک کل سازمان‌دار، مفهوم هر واژه به صورت نظام‌مندی در ذهن، شکل می‌گیرد.

بنابراین، برای استخراج یک شبکه معنایی از واژگان مربوط به یک حوزه معنایی، لازم است پس از تعیین این واژگان، اولاً با نگاهی خرد به مؤلفه‌های معنایی هر واژه نگریست و ثانیاً با نگاهی کلان به سازوکار ارتباطات میان واژگان پرداخت.

از آنجا که مکاتب و روش‌های معناشناسی هرکدام با ابزاری خاص و زاویه‌ای متفاوت به کاوش معنا می‌پردازند دستیابی به سطوح معناشناسی فوق نیازمند استفاده از روش‌های مختلف معناشناسی است.

مکتب بُن^۲ که به روابط متقابل فرهنگ و بستر زبان با متن می‌پردازد و از این طریق، درصدد کشف جهان‌بینی حاکم بر متن و از خلال آن دستیابی به معنای مورد نظر است؛ به دلیل انتخاب آن توسط توشیهیکو

در تفسیر قرآن کریم، اهتمام بر کشف و پرده‌برداری از مقصود خدا در کلمات و دریافت معانی است، از این رو، هر دانشی که به گونه‌ای به این حوزه مربوط شود و در کشف دلالت الفاظ تلاش کند، بایستگی دارد. معناشناسی دانشی است که ابزاری جدید برای کشف دلالت الفاظ در اختیار قرآن‌پژوهان قرار می‌دهد. آنچه در علم معناشناسی ارتباط تنگاتنگ با دانش تفسیر دارد، معنی‌شناسی زبانی است (ایازی، ۱۳۸۳: ۴۶-۴۷).

در معنی‌شناسی زبانی به آن گونه از معنی توجه می‌شود که درون‌زبانی است و معنی‌شناس با مطالعه معنی به دنبال کشف چگونگی عملکرد ذهن انسان در درک معنی از طریق زبان است. واحدهای مطالعه این نوع معنی واژه و جمله به حساب می‌آیند (صفوی، ۱۳۷۹: ۲۸؛ ۴۶).

نخستین سطح در معناشناسی هر متن، شناخت معنای واژگان آن است. برخی از زبان‌شناسان معتقدند معنای یک واژه را می‌توان براساس محیط وقوع آن در یک بافت زبانی^۱ تعیین کرد؛ به عبارت دیگر معنای یک واژه در چارچوب بافتی که در آن به وقوع پیوسته است، به طور کامل قابل وصف است (همان: ۲۱۲)؛ چراکه هر واژه با وجود عناصر معناشناختی ثابتی که همراه با خود دارد (معنای اساسی)، با قرار گرفتن در جمله‌ای خاص یا درون یک متن به دلیل روابط و پیوستگی‌های خود با دیگر مفاهیم، عناصر معناشناختی جدیدی نیز کسب می‌کند (معنای نسبی) که برای رسیدن به مفهوم نهایی آن واژه، در نظر گرفتن عناصر معناشناختی جدید نیز الزامی است

کلیدی به دست می‌دهد که عبارت‌اند از: «امر»، «مشیت»، «إذن»، «إرادة»، «قول»، «حکم»، «جعل»، «سنت»، «قدر»، «قضا»، «تدبیر»، «کتب»، «شرع»، «فرض»، «أصاب» و «فعل».

در مورد استخراج واژگان کلیدی از میان واژگان قرآنی، ذکر این نکته ضروری است که بخشی از این کار، تقریباً به صورتی اجتناب‌ناپذیر، شخصی و من‌عندی است و نوع نگاه محقق به موضوع، در انتخاب واژگان تأثیر بسزایی دارد؛ بنابراین، هرچند در مورد بیشتر واژگان کلیدی، اختلافی در میان پژوهشگران وجود ندارد؛ بدون شک، در انتخاب برخی از واژه‌ها اختلاف‌نظرهایی به وجود می‌آید (ایزوتسو، ۱۳۶۳: ۲۳).

در مراحل بعد، واژه‌های کلیدی در دو محور خرد^۴ و کلان^۵ مورد بررسی قرار می‌گیرند. در نگاه خرد، با کاوش در معنای لغوی و اصطلاحی هر واژه، مؤلفه‌های معنایی آن تعیین می‌شود و در نگاه کلان، با ترسیم میدان معنایی برای هر واژه و بررسی پیوستگی‌ها و ارتباطات میان میدان‌ها، شبکه معنایی واژگان، کشف می‌شود.

هرچند به‌منظور دستیابی به شبکه معنایی قوانین الهی در قرآن لازم است، مؤلفه‌های معنایی و میدان‌های معناشناختی هر یک از ۱۶ واژه مربوط بررسی شده و در مرحله بعد با کشف ارتباطات معنایی میدان‌های مختلف، شبکه معنایی واژگان استخراج شود؛ به دلیل تنوع و کثرت تعداد واژگان و نیز محدودیت ظرفیت مقاله، بررسی کامل و همه‌جانبه تمام واژگان و ترسیم دقیق میداین معنایی برای هر یک از آنها امکان‌پذیر

ایزوتسو^۳ و نگارش سه کتاب *خدا و انسان در قرآن*، *بررسی معناشناسی مفاهیم اخلاقی - دینی در قرآن* و *مفهوم ایمان در کلام اسلامی*، از لحاظ روش‌شناسی، تجربه خوبی در حوزه مطالعات قرآنی کسب کرده است (مطیع، ۱۳۸۷: ۵۲). از سوی دیگر استفاده از روابط بینامتنی نیز برای تحلیل روابط درون‌متنی در میان واژگان یک حوزه معنایی ضروری به نظر می‌رسد؛ چراکه در برخی از این روش‌ها، تلاش خاصی برای کشف و تحلیل روابط معنایی در سطح متن، صورت پذیرفته است (همان)؛ که در این روش‌ها، به‌منظور تعیین معنای دقیق واژه‌ها در یک متن، با بررسی هم‌نشینی‌ها، جانشینی‌ها و نیز روابط معنایی موجود در سطح گروه و جمله، به مؤلفه‌های معنایی هر واژه، دست می‌یابند (صفوی، ۱۳۷۹: ۲۹۲ - ۳۱۲).

تحقیق حاضر، برای استخراج و ترسیم شبکه معنایی، از تلفیقی از مکتب بن آلمان‌ها و روش بینامتنی استفاده می‌کند.

متناسب‌سازی استفاده از روش «شبکه‌های معنایی» در مطالعات قرآنی

گام اول در دستیابی به شبکه معنایی در مطالعات قرآنی، یافتن واژگان مربوط به موضوع مورد تحقیق است. به همین دلیل پیش از هر چیز بایستی قرآن کریم به‌طور کامل مورد مطالعه قرار گرفته و اَسْمَاء و اَفْعَالی که به نوعی با موضوع مورد بحث ارتباط معنایی دارند، استخراج گردند.

به‌عنوان مثال در بررسی شبکه معنایی «قوانین الهی در قرآن» مطالعه و جستجو در آیات، ۱۶ واژه

نیست و رعایت اختصار، سبب شده است تا کار بر سه واژه اصلی در برنامه‌ریزی و اعمال قوانین یعنی «امر»، «مشیت» و «إرادة» متمرکز گشته و از بررسی جزئیات مربوط به ۱۳ واژه جانبی خودداری گردد.

لغت، اسم ذات و معنای لغوی واژه مورد بررسی قرار می‌گیرد و در روش دوم، موارد کاربرد واژه در متن مورد نظر جستجو شده و مؤلفه‌های مربوط به سیاق استخراج می‌شود.

بررسی واژگان کلیدی در نگاه خرد

کشف روابط معنایی میان واژگان نیازمند دانستن مؤلفه‌های معنایی^۶ در نگاهی خرد به هر واژه است. چراکه بدون شناخت اجزای معنا ساز یک واژه، به دست آوردن روابط معنایی در میان واژگان، ناممکن است.

به این ترتیب، یافتن صفات ممیزه‌ای برای هر اصطلاح که به لحاظ آن صفات، مصادیق نامحدودی در یک رده مقوله‌بندی شوند، در واقع چندان آسان نیست و در بیشتر موارد، محقق باید به یک فرایند کامل آزمایش و خطا دست بزند تا چنان که باید، به واژه‌هایی که در یک زبان است دست یابد (ایزوتسو، ۱۳۶۰: ۱۳).

مؤلفه‌های معنایی مشخصه‌هایی به حساب می‌آیند که ویژگی‌های ممیز مفاهیم را از طریق ایجابی [+] یا سلبی [-] نشان می‌دهند (صفوی، ۱۳۷۹: ۳۱۲). به‌عنوان مثال، براساس شرایط لازم و کافی، می‌توان تقابل میان چهار واژه «مرد»، «زن»، «پسر» و «دختر» را برحسب مؤلفه‌های معنایی‌شان به دست داد (همان، ۲۷۷).

تبارشناسی و ریشه‌یابی (علم الإشتقاق)

به‌طور کلی، واژگان موجود در زبان عربی، ممکن است اصالتاً عربی یا غیرعربی باشند؛ و ناگفته پیداست که فهم دقیق این واژگان، منوط به ریشه‌یابی و دانستن تاریخ آنها است (خوش‌منش، ۱۳۸۸: ۱۱ - ۱۶).

جدول ۱. مؤلفه‌های معنایی

	انسان	مذکر	بالغ
مرد	[+]	[+]	[+]
زن	[+]	[-]	[+]
پسر	[+]	[+]	[-]
دختر	[+]	[-]	[-]

به همین دلیل، مطالعه تاریخ و تبارشناسی^۷ واژگان کلیدی و بررسی سیر تحول واژه‌ها و معنای آنها در طول زمان، «معنای اساسی» آن را تا حدی روشن نموده و باعث به دست آوردن دیدی عمیق‌تر در مورد جرایب انتخاب هر واژه در قرآن می‌شود (همان: ۲۱). با توجه به آنچه گذشت، لازم است در یک پژوهش قرآنی، ابتدا «ریشه لغت» و «اسم ذات» آن، مورد بررسی قرار گیرد. در مرحله بعد، بایستی به‌وسیله منابع لغوی، «معنای لغوی» هر واژه در زبان عربی، استخراج شود. پس‌از آن، با مقایسه «اسم ذات» و «معنای لغوی» واژه، برخی از مؤلفه‌های معنایی آن به دست می‌آید.

برای دستیابی به مؤلفه‌های معنایی یک واژه، پی‌جویی دو راه کلی تبارشناسی و سیاق ضروری است. در روش اول، به‌منظور درک مؤلفه‌های معنایی واژه در

7. Etymology

6. Semantic components, content figurae

* ریشه لغت، اسم ذات و معنای لغوی واژه «امر» در منابع لغوی بدین صورت ذکر گردیده است:

ریشه لغت: عبری (مشکور، ۱۳۵۷: «ذیل امر»، ۳۵).
اسم ذات: شأن، حالت، عارضه و جریان حادث (مصطفوی، ۱۳۶۰: «ذیل امر»، ۱/۱۴۶).

معنای لغوی: امر دو معنی دارد یکی کار و چیز؛ که جمع آن امور است؛ مثل «وَ إِذَا قُضِيَ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» چون چیزی را اراده کند، بدان گوید: باش، پس می‌شود» (بقره/۱۱۷)؛ و دیگری: دستور و فرمان؛ مانند «قُلْ أَمْرٌ رَبِّي بِالْقِسْطِ؛ بگو خدایم به عدل فرمان داده است» (اعراف/ ۲۹) (قرشی، ۱۳۷۱: «ذیل امر»، ۱/۱۰۹-۱۱۰). در مفردات راغب آمده است به ابداع نیز امر گویند؛ مانند «أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ» (اعراف/ ۵۴) و این مختص خداوند متعال است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: «ذیل امر»، ۸۸).

حال، با توجه به «اسم ذات» و «معنای لغوی» این واژه می‌توان گفت «امر» در حوزه معنایی سنن الهی، عبارت است از جریانی که در شئون مراتب موجودات و حالات و امور آنها متجلی شده و آنها را قانون‌مند می‌کند.

* ریشه لغت، اسم ذات و معنای لغوی واژه «مشیت» در منابع لغوی بدین صورت ذکر گردیده است:
ریشه لغت: عبری، آرامی، تلمود (مشکور، ۱۳۵۷: «ذیل مشیت»، ۴۶۸).

اسم ذات: «شیء» هر چیزی است که علم به آن تعلق می‌گیرد و از آن خبر داده می‌شود؛ اعم از موجود و معدوم، واجب و ممکن، مذکر و مؤنث (قرشی، ۱۳۷۱: «ذیل شیء»، ۴/۹۳). هر چیزی که مورد طلب قرار می‌گیرد؛ اعم از موضوع یا حکم یا عمل

(مصطفوی، ۱۳۶۰: «ذیل شیء»، ۶/۱۵۵).

معنای لغوی: «شیء» مصدر است به معنی خواستن و اراده کردن (قرشی، ۱۳۷۱: ۹۱). «مشیت» خداوند متعال، همان ایجاد است؛ پس مشیت او مقتضی وجود شیء است و به همین دلیل است که گفته شده: «مَا شَاءَ اللَّهُ كَانَ وَ مَا لَمْ يَشَأْ لَمْ يَكُنْ؛ هر آنچه خدا بخواهد می‌شود و هر آنچه خداوند نخواهد نمی‌شود» (راغب، ۱۴۱۲: «ذیل شیء»، ۴۷۱).

حال، با توجه به «اسم ذات» و «معنای لغوی» این واژه می‌توان گفت ریشه اولیه و نقطه آغازین «مشیت»، «شیء» است. این مفهوم به تدریج به ایجاد و خلق شیء و سپس به برنامه‌ریزی برای شیء تبدیل گشته است؛ بنابراین نظام و اعمال کلی برای ایجاد و رشد شیء در هستی، «مشیت» خوانده می‌شود و مؤلفه معنایی [+ قانون‌مندی ایجاد و مدیریت اشیا هستی] برای این واژه به اثبات می‌رسد.

* ریشه لغت، اسم ذات و معنای لغوی واژه «اراده» در منابع لغوی بدین صورت ذکر گردیده است:
ریشه لغت: عبری (مشکور، ۱۳۵۷: «ذیل اراده»، ۳۱۵).

اسم ذات: پرسیدن، جستن خوراک، این سو و آن سو چریدن (همان). آمدوشد در طلب شیء با نرمی و مدارا (راغب، ۱۴۱۲: ذیل «رود»، ۳۷۱).

معنای لغوی: اراده در اصل قوه‌ای مرکب از میل و حاجت و آرزو است و اسمی است که برای توجه و حرکت به سوی شیء و حکم کردن در مورد شایستگی انجام آن قرار داده شده است. اراده گاهی برای مبدأ آنکه همان توجه و تمایل است استعمال می‌شود و

گاهی منتهای آنکه همان حکم به شایستگی انجام آن است مورد توجه قرار می‌گیرد.

هرگاه «إرادة» در مورد خداوند متعال استعمال شود مراد، منتها است نه مبدأ؛ چرا که او منزّه از تمایل و تغییر است. پس هنگامی که گفته شود خداوند چنین اراده کرد، معنایش «حکم» در آن مورد است؛ مانند «إِنْ أَرَادَ بِكُمْ سُوءًا أَوْ أَرَادَ بِكُمْ رَحْمَةً؛ اِذَا أَرَادَ أَنْ يَقُولَ لَكُمْ شَيْئًا فَإِنِّي سَمِعْتُهُ يَقُولُ» (أحزاب/۱۷). علاوه بر آن، خداوند در قرآن کریم «إرادة» را ذکر نموده و از آن معنای «امر» را اراده فرموده است؛ مانند «إِنَّمَا قَوْلُنَا لِشَيْءٍ إِذَا أَرَدْنَا أَنْ نَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ مَا وَاقِعٌ» (سجده/۴۰) و نیز «إرادة» را ذکر نموده و از آن «قصد» و «طلب» را اراده فرموده است؛ مانند: «لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ؛ فِي زَمَانٍ خَاسِرٍ» (قصص/۸۳) (راغب: همان).

حال، با توجه به «اسم ذات» و «معنای لغوی» این واژه می‌توان گفت از آنجاکه جستجو و آمدوشد در طلب شیء، نوعی واقع شدن در معرض انتخاب بوده و «إرادة» نیز به دست آوردن یک انتخاب از مجموع امکان‌های موجود است، به آن «إرادة» می‌گویند؛ بنابراین، برخی از مؤلفه‌های معنایی واژه «إرادة»، [طلب] و [انتخاب یک راه از میان راه‌های مختلف] است.

و توجه به روند کلی کلام، یعنی «سیاق»^۸ را می‌طلبید. سیاق در اصطلاح اهل ادب به طرز جمله‌بندی که برگرفته از چینش و نظم خاص کلمات است، گفته می‌شود؛ به گونه‌ای که گاهی افزون بر معنای هریک از کلمه‌ها و سپس معنای جمله، معنایی دیگر را نیز برای جمله به همراه آورد (رضایی کرمانی، ۱۳۷۶: ۱۹۵).

«سیاق»، علاوه بر آشکار ساختن نوع و چرایی چینش و همبستگی معنایی کلمات در یک آیه، نشان می‌دهد که فهم هر یک از آیات، چگونه در تناظری با فهم دیگر آیات است (قاسم پور، ۱۳۸۳: ۳۱).

پس از تبارشناسی، «سیاق» نقش مهمی در شناخت مؤلفه‌های معنایی واژگان دارد؛ چرا که هر واژه متناسب با مؤلفه‌های معنایی خویش، با واژگان هم‌معنای خود در محور جانشینی و با واژه‌های ملازم و متناسب با خود در محور هم‌نشینی قرار می‌گیرد و جایگاه ویژه‌ای در جمله و متن می‌یابد؛ بنابراین، لازم است در نخستین گام شناخت مؤلفه‌های معنایی، تمامی آیات مربوط به واژه مورد نظر استخراج گردیده و پس از آن، هم‌نشینی‌ها، جانشینی‌ها و جایگاه واژه در جمله مورد بررسی قرار گیرد.

۱. واژه در محور هم‌نشینی

وقوع واژه‌هایی با ویژگی‌های بنیادین مشترک بر روی محور هم‌نشینی، به نوعی باهم‌آیی^۹ منجر می‌شود که باهم‌آیی هم‌نشینی نامیده می‌شود. در این باره می‌توان

سیاق

رسیدن به مفاهیم بلند قرآن، تأمل در ماقبل و مابعد آیه

8. Context

9. Collocation

«اسب/شبهه کشیدن» یا «نان/بیات» را نمونه آورد. در حقیقت، باهم آیی این واژگان، به دلیل ویژگی یا مؤلفه مشترکی است که این جفت واژه‌ها را به یکدیگر پیوند می‌دهد (صفوی، ۱۳۷۹: ۱۹۶-۱۹۷).

علاوه بر آنکه هم‌نشینی معنایی، تنها با وجود نوعی تشابه در مؤلفه‌های معنایی قابل توجیه است، این امکان وجود دارد که شرایط کنار هم قرار گرفتن مفاهیم بر روی محور هم‌نشینی، باعث انتقال معنایی واحدهای هم‌نشین به یکدیگر گردد (همان: ۲۴۷) و این دو نکته، ثابت می‌کنند که دستیابی به مؤلفه‌های معنایی یک واژه، بدون بررسی هم‌نشین‌های آن ممکن نیست.

به‌عنوان مثال، هم‌نشینی «امر» با «اراده»، «قضا»، «قول» و «فعل» در آیاتی نظیر «إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (آل عمران/۴۷)، «إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (یس/۸۲)؛ و «كَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا» (نساء/۴۷) نشان‌دهنده سیر تحقق یا به فعلیت رسیدن یک امر است. هنگامی که خداوند متعال ایجاد چیزی را «اراده» کند، «امر» آن را «قضا» و حتمی می‌نماید؛ و با «قول» خود، آن را به «فعلیت» می‌رساند.

از سوی دیگر، آیه «إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ مَا يُرِيدُ» (مائده/۱) دو فعل «يَحْكُمُ» و «يُرِيدُ» را هم‌نشین یکدیگر ساخته است، اما تعبیر «إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ مَا يَشَاءُ» در آیات قرآن یافت نمی‌شود.

همچنین، توالی دو واژه «نَشَاءُ» و «نُرِيدُ» به‌صورت «مَا نَشَاءُ لِمَنْ نُرِيدُ» (إسراء/۱۸) در قرآن کریم، وجود دارد ولی عکس آن یعنی تقدم «اراده» بر «مشیت» وجود ندارد.

نیز، توالی دو واژه «يَحْكُمُ» و «يُرِيدُ» به‌صورت

«إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ مَا يُرِيدُ» در قرآن یافت می‌شود ولی عکس آن یعنی «إِنَّ اللَّهَ يُرِيدُ مَا يَحْكُمُ» وجود ندارد.

بدین ترتیب می‌توان اظهار داشت که هم‌نشینی «مشیت»، «اراده» و «حکم» در قرآن کریم مؤلفه‌های معنایی [+ رابطه عموم و خصوص مطلق مشیت با اراده] و [+ صدور حکم پس از اراده] را اثبات نموده و نشان می‌دهد «مشیت» مقدم بر «اراده» و «اراده» مقدم بر «حکم» است؛ بنابراین، بخشی از «مشیت» خداوند تبدیل به «اراده» شده و خداوند در مورد هرچه براساس مصلحت، «اراده» کند، «حکم» صادر می‌کند.

از سوی دیگر، هم‌نشینی دو «مشیت» با هم، در تعبیر «وَمَا تَشَاؤُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا - يُدْخِلُ مَنْ يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ وَالظَّالِمِينَ أَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا؛ تا خدا نخواهد، شما خواهید خواست قطعاً خدا دانای حکیم است. هر که را خواهد، به رحمت خویش درمی‌آورد و برای ظالمان عذابی پردرد آماده کرده است» (تکویر/۲۹)، ارتباط طولی این دو واژه با یکدیگر را بیان می‌نماید؛ یعنی این واژه‌ها دارای مفهومی تشکیکی و قابل رتبه‌بندی هستند. اینکه «مشیت» انسان‌ها موقوف به «مشیت» خداست، به این معنا است که هرکس راه هدایت و فلاح را انتخاب کند و بخواید، خداوند نیز او را در رحمتش وارد می‌کند و هرکس راه ضلالت و ظلم را انتخاب کند، عذابی دردناک در انتظار اوست. پس اختیار و خواست انسان‌ها در انتخاب هر یک از این دو راه، در چارچوب قانون‌گذاری الهی است و هیچ‌کس نمی‌تواند فرای این قانون‌مندی قدم بردارد.

۲. واژه در محور جانشینی

انتخاب یک کلمه مناسب از میان واژگان مشابه را جانشینی گویند. الگوهایی شناختی وجود دارند که خود را بر این انتخاب تحمیل می‌کنند و سبب می‌گردند تا از میان انواع انتخاب‌ها، حد و مرزی بر این جانشینی سایه بپفکند (صفوی، ۱۳۷۹: ۲۷۲).

هنگامی که واژه «الف» جانشین واژه «ب» در بافتی یکسان و یا در بافتی که از لحاظ ساختمان صوری مشابه است می‌شود، خواه برد استعمال آن بیشتر یا کمتر از واژه «ب» باشد، این جانشینی در بررسی مقوله معنایی هر دو واژه اهمیت زیادی دارد (ایزوتسو، ۱۳۶۰: ۴۵).

به‌عنوان مثال، در سه آیه ذیل پدیده جانشینی میان سه واژه «مشیت»، «حکم» و «فعل» در بافتی یکسان رخ داده است:

جدول ۲. جانشینی در کنار فعل مضارع از مصدر

إرادة

ما نَشَاءُ لِمَنْ نُرِيدُ (إسراء/ ۱۸)
يَحْكُمُ مَا يُرِيدُ (مائده/ ۱)
يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ (حج/ ۱۴)

جانشینی‌های فوق، ترتیب «مشیت»، «إرادة»، «حکم» و «فعل» را به اثبات می‌رساند. در فضای «مشیت»، راه‌های مختلفی پیش روی بشر قرار داده شده است؛ بدین معنا که خداوند متعال برای انسان‌ها این امکان را فراهم آورده است که در نظام مشیت الهی، خواست و مشیت خود را دنبال نمایند بنابراین انسان با

هر چیزی که با اختیار خود اراده کند خود را در یکی از مسیرهای موجود در فضای مشیت الهی قرار داده که به هدایت یا ضلالت منتهی می‌شود سپس خداوند آن راه را برای او «إرادة» می‌نماید، در مورد آن «حکم» صادر می‌کند و آن را به «فعلیت» می‌رساند.

۳. واژه در جمله (نحو)

با بررسی واژه در محور جانشینی و هم‌نشینی در کنار سومین بعد مؤلفه‌های معنایی یعنی جایگاه واژه در جمله، که شامل عربیت و سیاق است، می‌توان به مؤلفه‌های معنایی واژه دست یافت. هر واژه شخصیتی (مؤلفه‌هایی) مخصوص به خود دارد و هنگامی که در جمله می‌آید برخی از مؤلفه‌های آن نقش اصلی می‌یابند و برخی دیگر لحاظ نمی‌شوند. این مسأله به نکات صرفی، نحوی و نوع چینش کلمات وابسته است. به‌عنوان مثال، در آیاتی که «أمر» در آنها به معنی برنامه‌ریزی و قانون‌مندی هستی است، این واژه به‌صورت اسمی آمده و کاربرد مفرد «أمر» و جمع «أمر» یافته است. کاربرد اسمی «أمر» جدیت این مفهوم را در حوزه معنایی قوانین الهی نشان می‌دهد. مضاف إلیه «أمر» در قرآن، واژه‌های «الله»، «رب»، ضمیر غایب «ه» و ضمیر متکلم «نا» هستند. «الله»، اسم جامع خداوند است. «أمر رب» مربوط به بعد ربوبی و پرورش‌دهندگی قوانین هستی است و «أمره» به دلیل کاربرد ضمیر غایب، مفاهیم باطنی‌تر، پیچیده‌تر و دورتر از دسترس برای فهم را نشان می‌دهد.

«أمر»، همچنین با صفات «حکیم» (دخان/ ۴)، «مَقْضِيًّا» (مریم/ ۲۱)، «كَانَ مَفْعُولًا» (الأنفال/ ۴۲) و «مِنْ عِنْدِنَا» (دخان/ ۵) همراه شده که نشان‌دهنده

استواری، حتمیت، تحقق و مقام عندیت امر است.

حال، با توجه به اطلاعات فوق پیرامون جایگاه واژه «امر» در آیات قرآن می‌توان مؤلفه‌های معنایی [+ فراتر از قانون‌مندی‌ها]، [+ ارتباط خاص با الوهیت خداوند]، [+ مربوط به غیب و عالم باطن]، [+ امکان وجود سلسله اسباب و علل برای تحقق امر]، [+ فراگیری همه اشیا]، [+ آنی و یک‌لحظه‌ای] و [+ استواری، حتمیت و به فعلیت رسیدن] را نیز برای این واژه استخراج نمود.

واژه «مشیت» در قرآن همواره به صورت فعلی در قالب ماضی و مضارع و در صیغه‌های مختلف به کار رفته است. فاعل آنها در بیشتر مواقع، اسم جلاله «الله» است. علاوه بر آن، «هو مستتر»، «نحن مستتر»، «ضمیر متصل نا» و «رب» نیز به عنوان فاعل به کار رفته و هریک، بیانگر شأن خاصی از مشیت خداوند در بافت کاربردی خود هستند؛ «الله»، اسم جامع خداوند و «ضمیر غایب»، نشانه غیب الغیوب و فراتر از فهم است. «ضمیر مع‌الغیر» عظمت خداوند، حضور تمام اسماء الهی و وجود اسباب و علل را نشان می‌دهد و «رب» بر بُعد ربوبی مشیت پروردگار دلالت می‌نماید. به جز چند آیه که مشیت به بندگان نسبت داده شده است: «فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَ مَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ» (کهف/۲۹)، «فَمَنْ شَاءَ ذَكَرْهُ» (مدثر/۵۵)، «أَلْهَمْ مَا يَشَاءُونَ فِيهَا» (ق/۳۵)، این واژه در بیشتر آیات قرآن به خداوند نسبت داده شده است. این مسأله نشان می‌دهد که خداوند متعال برای انسان‌ها این امکان را فراهم آورده است که در نظام مشیت الهی، خواست و مشیت خود را دنبال نمایند؛

بنابراین واژه مشیت در قرآن چه در مورد انسان‌ها و چه در مورد خداوند به کار رفته باشد، همگی بیانگر یک نظام قانون‌گذاری است.

حال، با توجه به اطلاعات فوق پیرامون جایگاه واژه «مشیت» در آیات قرآن می‌توان مؤلفه‌های معنایی [+ ارتباط با الوهیت خداوند]، [+ مربوط به غیب و عالم باطن]، [+ در ارتباط با ربوبیت عام و خاص خداوند]، [+ امکان وجود سلسله اسباب و علل برای تحقق مشیت]، [- جبری] و [+ اختیار و انتخاب انسان] را نیز برای این واژه استخراج نمود.

واژه «إرادة» نیز در قرآن به صورت فعلی در صیغه‌های مختلف ماضی و مضارع به کار رفته است. صیغه ماضی بر تحقیق و وقوع و صیغه مضارع بر استمرار دلالت می‌کند، اما از جهت تحقق اراده و فعلیت مراد و وقوع مطلق آن فرقی میان آن دو نیست (مصطفوی، ۱۳۶۰: «ذیل رود»، ۴/۲۷۵).

فاعل افعالی که از مصدر «إرادة» در قرآن به کار رفته است، در بیشتر مواقع، اسم جلاله «الله» است. علاوه بر آن، «رب»، «رحمن»، «هو مستتر»، «نحن مستتر» و «ضمیر متصل نا» نیز در نقش فاعل، کاربرد یافته‌اند و در بافت کاربردی خود، بُعدی از ابعاد اراده خداوند را به نمایش می‌گذارند.

«أَرَادَ اللَّهُ» به معنی اراده‌ای است که تمام اسماء الهی در آن حضور دارد. «رب» بر بُعد ربوبی اراده پروردگار دلالت می‌نماید. «رحمن» نشان‌دهنده رحمت عام خداوند در اراده او است. «ضمیر غایب» نشانه غیب الغیوب است و صیغه متکلم مع‌الغیر

واحد‌های حوزه معنایی دیگر، مورد تحلیل و توصیف قرار گیرد (صفوی، ۱۳۸۳: ۳)؛ بنابراین، به منظور استخراج شبکه ارتباطات معنایی یک موضوع در قرآن کریم استفاده از دیدگاه «هم‌زمانی» ضروری است.

در مطالعه «هم‌زمانی» حوزه‌های معنایی، همواره، بر دو اصل کلی تأکید می‌شود. این دو اصل، شامل عدم استقلال حوزه‌های معنایی و وجود سلسله‌مراتب در میان این حوزه‌ها است که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. عدم استقلال حوزه‌های معنایی

این امکان وجود دارد که اعضای یک حوزه معنایی، به‌طور هم‌زمان در چندین حوزه مختلف، جای گیرند. همین نکته ثابت می‌کند که حوزه‌های معنایی، مستقل از یکدیگر نیستند و برحسب واحدهای مشترک، به یکدیگر پیوند خورده و یک شبکه معنایی را پدید می‌آورند (همان: ۷).

۲. سلسله‌مراتب حوزه‌های معنایی

علاوه بر اصل قبل واحدهای تشکیل‌دهنده یک حوزه معنایی، می‌توانند از مفهومی برخوردار باشند که - خود - عاملی برای تشکیل یک حوزه معنایی دیگر به حساب آید (همان: ۸).

با توجه به این دو اصل، شاید بتوان رابطه «هم‌زمان» حوزه‌های معنایی با یکدیگر را، در دو گونه رابطه افقی و رابطه عمودی به دست داد. شکل زیر، این دو امکان را در طرحی ساده نشان می‌دهد:

«أَرَدْنَا» و «تُرِيدُ» نیز می‌تواند برای تشریف یا نشانه وجود سلسله‌های طولی اسباب و علل و یا به معنای همه اسماء الهی باشد که در صورت اخیر هم‌خوانی بیشتری با «أَرَادَ اللَّهُ» پیدا می‌کند. علاوه بر آن، این فعل، یک بار نیز به صورت مجهول به کار رفته است تا إرادة «شر» را از ساحت قدس پروردگار دور کند: ﴿وَأَنَا لَا نَدْرِي أَشْرٌ أُرِيدُ بَيْنَ فِي الْأَرْضِ أَمْ أَرَادَ بِهِمْ رَبُّهُمْ رَشَدًا؛ و ما نمی‌دانیم که آیا برای کسانی که در زمین هستند بدی خواسته شده یا پروردگارشان برایشان هدایت خواسته است﴾ (جن/۱۰).

حال، با توجه به اطلاعات فوق پیرامون

جایگاه واژه «إرادة» در آیات قرآن می‌توان مؤلفه‌های معنایی [+تحقق حتمی اراده به صورت آنی یا استمراری]، [+ارتباط با الوهیت خداوند]، [+ارتباط با ربوبیت خداوند]، [+ناشی از رحمت عام خداوند]، [+ارتباط با غیب الغیوب]، [+امکان وجود سلسله اسباب و علل برای تحقق اراده] را نیز برای این واژه استخراج نمود.

بررسی واژگان کلیدی در نگاه کلان

حوزه‌های معنایی^{۱۰} یکی از موضوعاتی است که در مطالعه درون‌زبانی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در بررسی یک حوزه معنایی در یک متن لازم است واحدهای هم‌حوزه به صورت «هم‌زمانی» در آن متن مورد مطالعه قرار گیرد. منظور از «هم‌زمانی» این است که بدون توجه به ملاک زمان، رابطه میان واحدهای یک حوزه معنایی نسبت به هم یا نسبت به

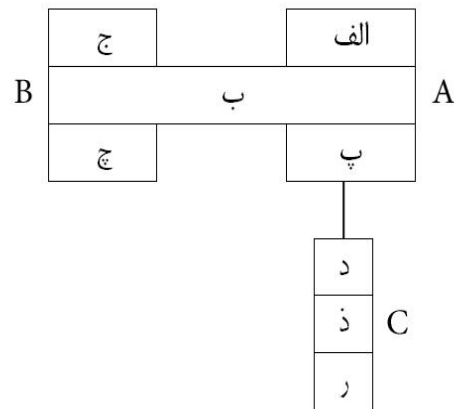
نسبت تقابلی، ۳. انشعاب یک مفهوم کلیدی به تعدادی از عناصر متشکله؛ لیکن خود اذعان می‌کند که روش‌های حوزه‌سازی، به موارد فوق، محدود نمی‌شود و براساس موضوع مورد بحث و مسائل جانبی مطرح در اطراف آن، این راه‌ها قابل بسط هستند (ایزوتسو، ۱۳۷۸: ۲۹۵ - ۲۹۸).

به عنوان مثال در بررسی شبکه معنایی «قوانین الهی در قرآن» مباحث هم‌معنایی و تقابل واژگانی، با موضوع مورد بحث، مناسبت داشته و در ترسیم حوزه‌های معنایی به کار می‌آیند. علاوه بر آن، می‌توان از زوایای دیگری چون منشأ و مصدر قوانین، فعل و انفعالات، لوازم، آثار و نتایج قانون‌مندی‌ها نیز به موضوع نگریست.

۱. هم‌معنایی

معمولاً به هنگام تعریف هم‌معنایی^{۱۱} چنین گفته می‌شود که اگر دو واژه هم‌معنی به جای یکدیگر به کار روند، در معنی زنجیره گفتار تغییری حاصل نمی‌آید. ولی باید توجه داشت که هیچ دو واژه‌ای را نمی‌توان یافت که در تمامی جملات زبان، بتوانند به جای یکدیگر به کار روند و تغییری در معنی آن زنجیره پدید نیاورند (صفوی، ۱۳۷۹: ۱۰۶).

این مبحث، در مورد قرآن کریم که از جانب پروردگار عالم فرستاده شده است، اهمیت بیشتری داشته و قائل شدن به وجود ترادف در کتابی که آیات آن در کمال احکام است، به معنای وجود لغو در کلام



شکل ۱. رابطه افقی و عمودی حوزه‌های معنایی در شبکه معنایی

شکل ۱، در حقیقت، طرح ساده‌ای از یک شبکه معنایی است. دو حوزه معنایی A و B، به دلیل اشتراک در واحد ب در رابطه افقی با یکدیگرند. از طرف دیگر، واحد ب از حوزه معنایی A، انتزاع یافته و حوزه معنایی C را پدید آورده است که در رابطه‌ای عمودی با حوزه معنایی A قرار دارد (همان: ۹).

روابط مفهومی در میدان‌های معناشناسی

همان‌طور که ذکر شد، ملاک ترسیم میدان‌های معنایی در مطالعات قرآنی، «روابط مفهومی در سطح واژگان» است. چرا که این ملاک، با معناشناسی واژگان قرآنی تناسب بیشتری دارد؛ از سویی، حکیمانه بودن انتخاب واژگان در قرآن را نشان می‌دهد و از سوی دیگر، مفهوم واژگان در آیات این کتاب آسمانی را، در فضایی جامع و چندبعدی به نمایش می‌گذارد.

به اعتقاد ایزوتسو، دو یا چند کلمه کلیدی از سه راه عمده با یکدیگر ارتباط نزدیک می‌یابند و شبکه معناشناختی کاملاً در هم تافته‌ای می‌سازند. آن سه راه عبارت‌اند از: ۱. نسبت ترادفی، ۲.

خداوند حکیم است.

بِكُمْ إِنْ يَشَاءُ يَرْحَمَكُمُ أَوْ إِنْ يَشَاءُ يُعَذِّبِكُمْ؛ پروردگار شما به حال شما داناتر است اگر بخواهد بر شما رحمت می‌آورد، یا اگر بخواهد شما را عذاب می‌کند» (اسراء/۵۴)؛ و هم‌نشینی آنها با «علم» پروردگار که نشان می‌دهد تعلق مشیت خداوند بر «رحمت» و «عذاب» انسان‌ها براساس علمی است که نسبت به آنان دارد؛ برای تقابل واژگانی نیز می‌توان به آیه «يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ؛ خدا برای شما آسانی می‌خواهد و برای شما دشواری نمی‌خواهد» (بقره/۱۸۵) اشاره کرد که با تقابل افعال «يُرِيدُ» و «لَا يُرِيدُ»، ویژگی‌های اراده و عدم اراده خداوند را تبیین می‌نماید.

۳. رابطه کنش و واکنش

ممکن است به دنبال صدور یا اعمال برخی از قانون‌مندی‌ها که خود، کنش‌هایی از جانب خداوند متعال هستند، کنش‌های تکوینی یا تشریحی دیگری رخ دهد. از طرف دیگر، این کنش‌ها و افعال، واکنش‌ها یا انفعالات خاصی را در هستی به دنبال دارند. واکنش‌های قوانین و سنن الهی در هستی را نیز می‌توان در دو بخش تکوینی و تشریحی مورد بررسی قرار داد.

همراهی واژگان حوزه قوانین الهی با این فعل و انفعالات، نوعی رابطه معنایی را به نمایش می‌گذارد که در تحلیل عناصر معنایی واژگان نقش بسزایی دارد.

«کنش‌ها و واکنش‌های تکوینی» شامل آن دسته از فعل‌ها و انفعالاتی است که در برابر قوانین الهی به

بنابراین، مراد از طرح بحث هم‌معنایی در تحقیقات قرآنی، ترادفی دقیق و کامل نیست. گاهی «موازنه ساختمان دستوری» یا «ترادف عبارات» که از صنایع بلاغی است، وجود یک رابطه معنایی در میان دو یا چند واژه را مکشوف می‌سازد (ایزوتسو، ۱۳۶۰: ۴۹)؛ به عبارت دیگر، این امکان وجود دارد که واژه‌ای برحسب بافت، جانشین واژه دیگری شود و در چنین شرایطی «هم‌معنی» با آن تلقی گردد (صفوی، ۱۳۷۹: ۱۰۸).

به عنوان مثال، «یشاء» و «یرید» با یکدیگر مترادف نیستند، اما در دو آیه «إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ» (حج/۱۸) و «إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ» (حج/۱۴) از نظر معنایی هم‌تراز قرار داده شده‌اند.

۲. تقابل معنایی

در معنی‌شناسی به‌جای تضاد^{۱۲} از اصطلاح تقابل استفاده می‌شود، زیرا تضاد صرفاً گونه‌ای از تقابل به حساب می‌آید. تقابل معنایی^{۱۳}، موردی است که در آن ساخت معنایی یک واژه از روی واژه متقابل آن معلوم می‌شود. در تقابل واژگانی^{۱۴} واژه‌ها به کمک تکواژهای منفی‌ساز در تقابل با یکدیگر قرار گرفته‌اند (صفوی، ۱۳۷۹: ۱۱۹).

برای تقابل معنایی می‌توان به این نمونه اشاره کرد: تقابل «رحمت» و «عذاب» در آیه «رَبُّكُمْ أَعْلَمُ

12. Antonymy

13. Semantic opposition

14. Lexical opposition

برابر اراده خداوند را بیان می‌دارد؛ هرچند این واکنش، مورد رضایت پروردگار متعال نیست.

در مقابل، آیه ﴿إِن أَرَادَنِي اللَّهُ بِضُرٍّ هَلْ هُنَّ كَاشِفَاتُ ضُرِّهِ أَوْ أَرَادَنِي بِرَحْمَةٍ هَلْ هُنَّ مُمْسِكَاتُ رَحْمَتِهِ فَلْ حَسْبِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ الْمُتَوَكِّلُونَ﴾ اگر خدا بخواهد صدمه‌ای به من برساند آیا آنچه را به جای خدا می‌خوانید، می‌تواند صدمه او را برطرف کند یا اگر او رحمتی برای من اراده کند آیا آنها می‌توانند رحمتش را بازدارند؟ بگو: خدا مرا بس است. اهل توکل تنها بر او توکل می‌کنند﴾ (زمر/۳۸)، واکنش مورد انتظار خداوند در برابر اراده خود که همان توکل بر او است را نشان می‌دهد.

۴. رابطه مصدری

قرآن کلام خداوند حکیم است؛ بنابراین انتخاب هر واژه آن براساس حکمتی صورت گرفته است. اینکه منشأ و مصدر هریک از واژگان حوزه قوانین الهی، کدامیک از اسماء و صفات پروردگار است در شناخت عناصر معنایی آن واژه، ترسیم میدان‌های معناشناسی و کشف روابط میان واژگان اهمیت زیادی دارد.

برای نمونه، در آیه ﴿وَ لَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ وَلَكِنْ يُنْزِلُ بِقَدَرٍ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ بِعِبَادِهِ خَبِيرٌ بَصِيرٌ﴾ و اگر خدا روزی را بر بندگانش فراخ گرداند، مسلماً در زمین سر به عصیان برمی‌دارند، لیکن آنچه را بخواهد به اندازه‌ای فرومی‌فرستد. به‌راستی که او به بندگانش آگاه بیناست﴾ (شوری/۲۷)، خداوند متعال مصدر این

صورت تکوینی اتفاق می‌افتد. به عنوان مثال تقدم امر بر اراده و قول در آیه ﴿إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ﴾ فرمان او چنین است که هرگاه چیزی را اراده کند، تنها به آن می‌گوید: موجود باش، آن نیز بی‌درنگ موجود می‌شود﴾ (یس/۸۲) نشان می‌دهد هنگامی که خداوند ایجاد چیزی را «اراده» کند، با صدور امر «کن» آن شیء موجود می‌شود. پس می‌توان این «امر» را به عنوان کنشی در نظر گرفت که برای تحقق اراده الهی رخ داده است و واکنش آن در هستی «یکون» است.

«کنش‌ها و واکنش‌های تشریحی» شامل آن دسته از فعل‌ها و انفعالاتی است که پس از صدور یا اعمال یک قانون‌مندی، به‌صورت تشریحی رخ می‌دهد. کنش تشریحی، وابسته به اختیار انسان‌ها و نیز به عنوان بستری برای واکنش تشریحی ایشان است.

«اختیار و انتخاب انسان‌ها» مهم‌ترین عامل در تشخیص واکنش‌های تشریحی است. این واکنش‌ها در آیات قرآن، گاهی به صورت بیان انفعال و عکس‌العمل انسان‌ها آمده است و گاهی عکس‌العمل مورد انتظار پروردگار از انسان‌ها را نشان می‌دهد.

برای نمونه، در مورد واکنش به «اراده» می‌توان به آیه ﴿وَ اللَّهُ يُرِيدُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْكُمْ وَ يُرِيدُ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الشَّهَوَاتِ أَنْ تَمِيلُوا مَيْلًا عَظِيمًا﴾ خدا می‌خواهد تا بر شما ببخشد و کسانی که از خواسته‌های نفسانی پیروی می‌کنند می‌خواهند شما دستخوش انحرافی بزرگ شوید﴾ (نساء/۲۷) اشاره کرد که انفعال و عکس‌العمل برخی از انسان‌ها در

مشیت خویش را «خبیر» و «بصیر» بودن خود نسبت به بندگان معرفت می‌نماید تا نشان دهد که مشیت خداوند در اعطای رزق به بندگان براساس آگاهی و بینش او نسبت به قدر آنها است.

۵. رابطه تلازم

خداوند متعال در قرآن کریم علت جاری شدن برخی از قوانین خود در هستی را ذکر فرموده است. از آنجاکه وقوع قوانین الهی، وابسته به ایجاد شرایط و پیش‌زمینه‌های آن است، برقراری ارتباط مابین قانون و لوازم اجرای آن در یک حوزه معنایی، نقش مهمی در درک سنت‌ها و قوانین الهی دارد.

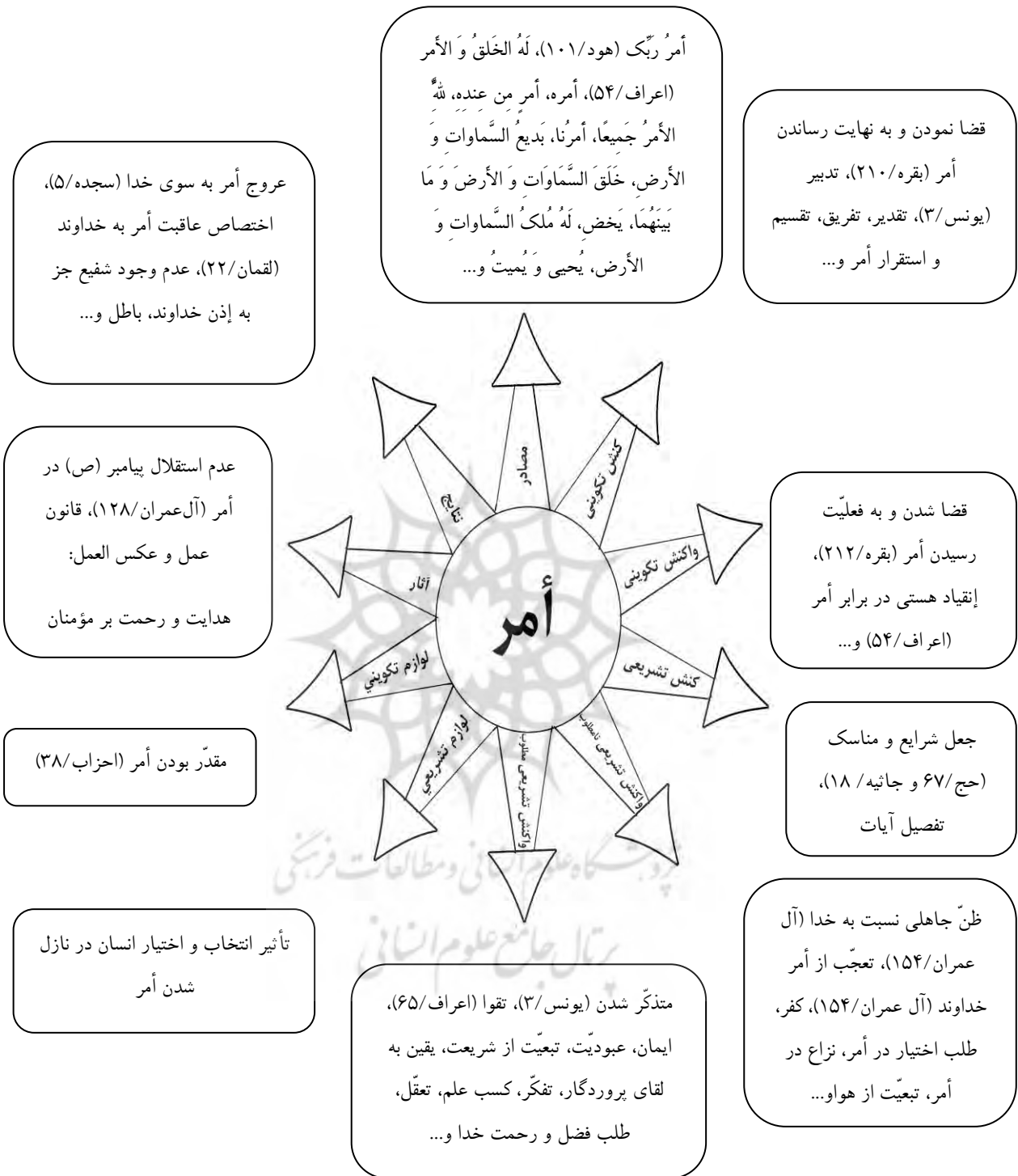
مثلاً در آیات «مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ عَجَلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَنْ نُرِيدُ ثُمَّ جَعَلْنَا لَهُ جَهَنَّمَ يَصْلَاهَا مَذْمُومًا مَدْحُورًا - وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَىٰ لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا» هرکس خواهان دنیای زودگذر است، به‌زودی هرکه را خواهیم نصیبی از آن می‌دهیم، آنگاه جهنم را که در آن خوار و رانده داخل خواهد شد، برای او مقرر می‌داریم - و هرکس خواهان آخرت است و نهایت کوشش را برای آن بکند و مؤمن باشد، آنان‌اند که تلاش آنها مورد حق‌شناسی واقع خواهد شد» (إسراء/۱۸-۱۹)، «مشیت» و «إرادة» الهی ملازم با اراده انسان معرفی شده و در حقیقت این انسان است که با اراده و اختیار خود دنیا یا آخرت را انتخاب نموده و برای رسیدن به آن تلاش می‌کند و خداوند براساس انتخاب او «مشیت» و «إرادة» خویش را در حق وی جاری می‌کند.

۶. آثار و نتایج

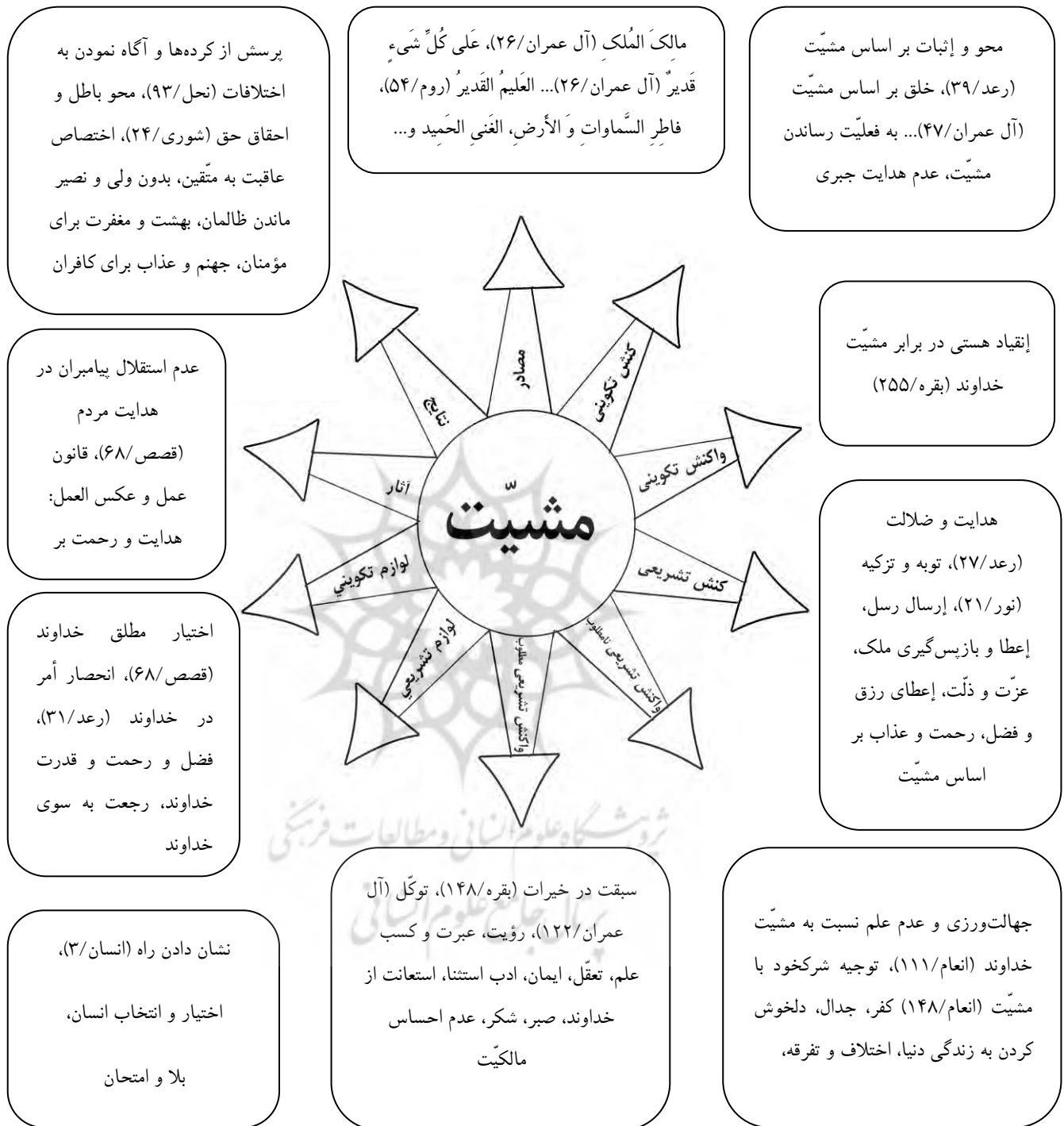
بررسی آثار و نتایج قوانین الهی و برقراری ارتباط بین آنها در حوزه‌های معنایی، جنبه‌های دیگری از قوانین الهی را آشکار می‌نماید. اتفاقاتی که در مسیر اجرای قوانین الهی به وقوع می‌پیوندد، آثار آن قانون‌مندی است، اما پس از اجرای قانون و در خاتمه کار، نتایجی به بار می‌آید و قانون به مقصود خود می‌رسد که با عنوان نتیجه، مورد بررسی قرار می‌گیرد. به عنوان نمونه، آیات «لَيْسَ لَكَ مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ؛ چیزی از امر در اختیار تو نیست» (آل عمران/۱۲۸)، «إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَ لَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ؛ تو هر که را دوست داری نمی‌توانی راهنمایی کنی، لیکن خداست که هرکه را بخواهد راهنمایی می‌کند» (قصص/۵۶) و «وَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ فِتْنَتَهُ فَلَنْ تَمْلِكَ لَهُ مِنْ اللَّهِ شَيْئًا؛ و هر که را خدا بخواهد به فتنه درآفکند، هرگز در برابر خدا برای او از دست تو چیزی بر نمی‌آید» (مائده/۴۱)، نشان می‌دهد یکی از آثار «امر»، «مشیت» و «إرادة» الهی آن است که هیچ‌کس حتی پیامبر اکرم نیز مالکیت و استقلالی در آنها ندارد.

ترسیم میدان‌های معناشناسی

پس از استخراج روابط مفهومی هر یک از واژگان حوزه معنایی، لازم است این روابط مفهومی به شکل میدانی ترسیم گردد تا با ایجاد یک فضای کلی، امکان بررسی جامع روابط مفهومی واژه فراهم گردد. به عنوان مثال با بررسی آیات و روابط مفهومی مربوط به واژه «امر»، «مشیت» و «إرادة» در حوزه معنایی «قوانین الهی در قرآن» می‌توان به میدان‌های معناشناسی نشان داده شده در اشکال ۲، ۳ و ۴ دست یافت.



شکل ۲. میدان معناشناسی أمر



شکل ۳. میدان معناشناسی مشیت



شکل ۴. میدان معناشناسی اراده

استخراج شبکه معنایی

با بررسی پیوستگی‌های میدان‌های معنایی، شبکه‌ای وسیع از ارتباطات چندجانبه میان کلمات آشکار می‌شود. دستیابی به این شبکه معنایی در مطالعه ساختار مفهومی واژگان یک حوزه معنایی و تحلیل حدود معنای نسبی عناصر لغوی آن بسیار راه‌گشا است؛ به عبارت دیگر، هر یک از واژه‌ها و اصطلاحات حوزه معنایی در این شبکه، معنای خاصی پیدا می‌کند که بدون در نظر گرفتن آن و تنها با مراجعه به فرهنگ‌های لغت نمی‌توان بدان دست یافت.

به عنوان مثال بررسی ارتباطات میدان‌های معنایی واژگان حوزه «قوانین الهی در قرآن» نشان می‌دهد که واژه «امر» مهم‌ترین بعد باطنی قوانین الهی و روح حاکم بر قانون‌مندی‌ها است.

«امر» الهی پس از تدبیر، از عالم «امر» که فضای قانون‌گذاری است به عالم «خلق» که فضای اعمال قانون است نازل می‌شود و در این میان، قانون‌مندی‌ها و علل و اسباب هستی، در تبدیل «امر» به «خلق» و به تعبیری «کن» به «یکون» ایفای نقش می‌کنند؛ بنابراین، «امر» فرای زمان، مکان، اسباب و علل و قانون‌مندی‌ها است، لیکن عالم «خلق» تحت همه این قانون‌مندی‌ها قرار می‌گیرد؛ بنابراین، می‌توان «امر» را نقطه آغاز مشیّت‌ها و اراده‌های خداوند و محور مدیریت و اتصال آنها به شمار آورد.

هرچند عالم «خلق» عالم فراز و فرود، تلاطم و رفت‌وآمد است؛ عالم «امر» کنشی محض و ثابت است و واکنش هستی در برابر آن، انقیاد محض است. پس عالم «امر» دارای بُعد واکنشی نیست و با اتفاقات و واکنش‌های انسانی تغییر نمی‌کند.

اگر «امر» روح حاکم بر قانون‌مندی‌ها است، نظام «مشیّت» به منزله کالبدی برای این روح و سیستم ارگانیکی قوانین الهی است. پس «مشیّت»، ظرف تجلی «امر» در هستی است و امکان تجلی و ظهور «امر» در عالم وجود را فراهم می‌کند.

نظام «مشیّت» برخلاف «امر» که کنشی محض بوده و اتفاقات و واکنش‌های تشریحی در آن هیچ تأثیری ندارد؛ کنشی و واکنشی است و انتخاب، اختیار و واکنش انسان تأثیر مستقیمی بر سرنوشت او در نظام «مشیّت» دارد.

کنشی و واکنشی بودن «مشیّت» بدان معنا است که عبارتی مانند «بهدی من یشاء» (بقره/۱۴۲) را به این صورت می‌توان معنا کرد؛ می‌توان گفت خداوند هر کس را بخواهد هدایت می‌کند و می‌توان اظهار داشت که خداوند هر کس که خود بخواهد هدایت شود را هدایت می‌کند.

پس هرچند «مشیّت» ظرف تجلی «امر» در هستی است؛ لیکن هیچ‌گاه «امر» در نظام «مشیّت» قطعی نمی‌شود؛ به عبارت دیگر، «مشیّت» به معنای حتمی شدن یک «امر» نیست، «مشیّت» به معنی امکان و در قانون گذاشتن و احتمال وقوع یک «امر» است و این انسان است که با اراده خود راهی را از میان راه‌های «مشیّت» انتخاب می‌کند و نتیجه انتخاب خود را می‌یابد. درحالی‌که «اراده» به معنای قطعی شدن است و وقتی اراده الهی تحقق یابد آن «امر» قطعی می‌شود.

پس آن چیزی که عالم «امر» را به عالم «خلق» می‌آورد و امر الهی را در هستی بیان می‌کند، «اراده» است.

بحث و نتیجه گیری

در این پژوهش تلاش شد تا با استفاده از معنی‌شناسی زبانی و نظریه حوزه‌های معنایی، ارتباط واژگان در یک شبکه معنایی مورد تحلیل قرار گیرد. هدف از این کار آن بود که با ایجاد یک تصور کلی نسبت به واژگان یک حوزه معنایی در قرآن کریم درک صحیحی از این مفاهیم فراهم آمده و گامی نو در جهت شناخت مفاهیم قرآنی برداشته شود.

تلفیق مکتب بن با روش‌های بینامتنی در این تحقیق نشان داد به منظور ایجاد یک تصور کلی نسبت به واژگان یک حوزه معنایی در قرآن کریم، بایستی پس از جستجوی «واژگان کلیدی» حوزه معنایی، با بررسی روابط مفهومی واژگان «میدان معناشناسی» هر واژه تعیین شده و این ارتباطات از طریق نمودارها و جداول دادگانی مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

سپس با مقایسه و سنجش ارتباطات میدان‌های معناشناسی، امکان دستیابی به «شبکه معنایی» فراهم شده و با این روش، معنای هر واژه در بافت کاربردی خود، معین می‌شود.

در مرحله بعد، «مؤلفه‌های معنایی» این واژگان از طریق علم تبارشناسی واژگان، وجوه و نظایر، بررسی فروق اللغات، هم‌نشین‌ها و جانشین‌ها، سیاق و روایات تفسیری ارزیابی می‌شود.

بدین ترتیب، واژه‌های قرآن، خود، معنای خویش را تبیین می‌نمایند: «ذَلِكَ الْقُرْآنُ فَاسْتَنْطِقُوهُ وَلَنْ يَنْطِقَ؛ آن [نور] قرآن است. از قرآن بخواهید تا سخن گوید که هرگز سخن نمی‌گوید» (سید رضی، ۱۳۸۰: خطبه ۱۵۸).

منابع

- قرآن کریم (۱۴۱۵ق). ترجمه محمد مهدی فولادوند. تهران: دارالقرآن الکریم.
- ایازی، محمدعلی (۱۳۸۳). «معناشناسی و رابطه آن با دانش تفسیر قرآن کریم». تحقیقات علوم قرآن و حدیث. شماره ۲. صفحات ۶۶-۴۵.
- ایزوتسو، توشیهیکو (۱۳۶۳). خدا و انسان در قرآن. ترجمه احمد آرام. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ایزوتسو، توشیهیکو (۱۳۶۰). ساختمان معنایی مفاهیم اخلاقی - دینی در قرآن. ترجمه فریدون بدره‌ای. تهران: قلم.
- ایزوتسو، توشیهیکو (۱۳۷۸). مفهوم ایمان در کلام اسلامی. ترجمه زهرا پورسینا تهران: سروش.
- خوش‌منش، ابوالفضل (۱۳۸۸). «فرهنگ اشتقاقی تطبیقی واژگان قرآن ضرورت‌ها و چالش‌ها». پژوهشنامه علوم و معارف قرآن کریم. شماره ۴. صفحات ۴۲-۹.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲). المفردات فی غریب القرآن. دمشق: دارالعلم الدار الشامیة.
- رضایی کرمانی، محمدعلی (۱۳۷۶). «جایگاه سیاق در المیزان». پژوهش‌های قرآنی. شماره ۹ و ۱۰. صفحات ۲۰۵-۱۹۴.
- سید رضی، محمد بن حسین (۱۳۸۰). نهج البلاغه. ترجمه محمد دشتی. اصفهان: فرهنگ و مردم.
- صفوی، کورش (۱۳۷۹). درآمدی بر معناشناسی. تهران: سوره مهر.

- صفوی، کورش (۱۳۸۳). «نگاهی به نظریه حوزه‌های معنایی از منظر نظام واژگانی زبان فارسی». *علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*. شماره ۴۰. صفحات ۱۱-۱.
- قرشی، علی‌اکبر (۱۳۷۱). *قاموس قرآن*. تهران: دار الکتب الإسلامية.
- قاسم پور، حسن (۱۳۸۳). «سیاق در قرآن». *پیام جاویدان*. شماره ۵. صفحات ۳۰ - ۴۷.
- مشکور، محمدجواد (۱۳۵۷). *فرهنگ تطبیقی عربی با زبان‌های سامی و ایرانی*. تهران: بنیاد فرهنگی ایران.
- مصطفوی، حسن (۱۳۶۰). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مطیع، مهدی (۱۳۸۷). *معناشناسی «زیبایی» در قرآن کریم*. پایان‌نامه دوره دکتری الهیات. تهران: دانشگاه امام صادق.

